



# بحران بی اعتمادی

نظریات دکتر طهماسب مظاهری درباره ریشه‌ها و

پیامدهای بحران مالی



دکتر طهماسب مظاهری: هدف اصلی، بازگرداندن اعتماد سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است، چرا که تنها در این صورت است که بنگاه‌های مالی از خطر ورشکستگی و کمبود منابع رهایی می‌یابند.

هشدارهای اجلاس بهاره بی‌توجهی کرده‌اند، متأسف بوده‌اند. دکتر مظاهری همچنین با تأکید بر اینکه محور اصلی گفت و گوهای اجلاس امسال موضوع بحران مالی بود، معتقد است که گرچه ایران به علت نبود رابطه مستقیم بین بانک‌های ایران و کشورهای غربی، از این بحران به طور مستقیم آسیب نمی‌بیند، اما کاهش قیمت نفت موضوع حساسی است که حتماً ایران را در آینده بیشتر درگیر خواهد کرد. در ادامه، به برخی از محورهای این مصاحبه توجه فرمایید:

**\* طبیعتاً بحران مالی از محوری‌ترین مسایل اجلاس**

**بوده است. تحلیل اعضا از این وضعیت چه بود؟**

بررسی ریشه‌های بروز این بحران، عوامل تشدید کننده و راهکارهای مهار و جلوگیری از سرایت و گسترش آن به

پس از جنگ جهانی دوم، دو نهاد مالی بین‌المللی تأسیس شدند تا الزامات و ساز و کارهای مالی ناشی از این جنگ را ساماندهی کنند. یکی از آنها، بانک جهانی است که در سال ۱۹۴۴ میلادی با نام بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD) تأسیس شد و هدفش، اعطای وام برای بازسازی خرابی‌های جنگ بود. سازمان دوم نیز در سال ۱۹۴۶ با نام صندوق بین‌المللی پول (IMF) تأسیس شد و هدف آن، گسترش همکاری‌های پولی و تثبیت وضعیت نرخ ارزها و بهبود و اصلاح نظام پرداخت‌های بین‌المللی است. این دو سازمان که مرکز هر دوی آنها در واشنگتن است، از بدو تأسیس تاکنون، همچون دو بازوی قوی در سیاست‌گذاری و مدیریت مبادلات مالی جهانی نقش داشته‌اند و بسیاری از تحولات تاریخ ساز در عرصه مالیه جهانی، تحت تأثیر سیاست‌ها و موضعگیری‌های این دو نهاد بین‌المللی قرار دارد.

در حال حاضر، بسیاری از کشورهای جهان عضو این دو نهاد مالی بین‌المللی هستند و هر ساله اجلاس‌های مشترک آنها با حضور نمایندگان کشورهای عضو برگزار می‌شود.

اجلاس مشترک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در سال جاری نیز در واشنگتن برگزار شد که علاوه بر وزیر امور اقتصادی و دارایی کشورمان، رییس کل بانک مرکزی نیز در آن باید حضور می‌یافت، اما چون محمود بهمنی به تازگی به این سمت منصوب شده بود، لذا طهماسب مظاهری با عنوان مشاور عالی رییس کل فعلی و نماینده بانک مرکزی در این اجلاس شرکت کرد.

خبرگزاری ایسنا به منظور بررسی چگونگی حضور نمایندگان ایران در این اجلاس جهانی و انعکاس دیدگاه‌های آنها در مورد مباحث مطرح شده در آن، گفت و گویی را با دکتر طهماسب مظاهری انجام داده است که حاوی نکات جالبی است و از جمله رییس کل سابق بانک مرکزی عنوان می‌کند که مسوولان رده‌اول اقتصادی کشورهای توسعه یافته، به خصوص آمریکا، در این اجلاس به صراحت از اشتباه خود سخن گفته‌اند و از اینکه به

بی اعتمادی مردم نسبت به عملکرد نظام بانکی و درستی سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، همواره به عنوان خطری بزرگ برای کشورهای دارای اقتصاد آزاد مطرح بوده است.

بیانیه‌ها به صورت مشترک به چشم می‌خورد، اذعان بر این مطلب بود که "ما اشتباه کرده‌ایم". از این جمله دو برداشت می‌توان داشت: یکی اینکه، تصور کنیم بازیگران و تحلیلگران اقتصاد جهانی که نظام اقتصاد بازار را انتخاب و اجرا کرده‌اند، خود را دچار اشتباه می‌بینند و دوم اینکه، آنها به این نتیجه رسیده‌اند که در بستر و چارچوب این نظام، مرتکب اشتباه شده‌اند و حال به آن اذعان دارند.

نکته مهم این است که کشورهای جهان مصمم هستند تا از این پیشامد و پیامدهای آن درس بگیرند، چرا که هر اشتباهی، شکستی را به دنبال دارد و انسان باید از این اشتباهات عبرت بگیرد و از تکرار آن‌ها جلوگیری کند. ریشه این اشتباه را باید در تحلیل‌های غلطی جست و جو کرد که طی چند سال اخیر باعث

سایر کشورهای دنیا، از محوری‌ترین موضوعات مطرح شده بودند و کشورهایی مانند چین و ژاپن که از ذخایر ارزی بالاتری برخوردار هستند نیز اعلام آمادگی می‌کردند تا به سایر کشورهای بحران زده و یا در آستانه بحران کمک کنند.

#### \* تحلیل شما از ریشه‌های پیدایش بحران و عوامل

تشدید کننده آن چیست؟

آنچه مسلم است و شواهد و قراین فراوانی نیز آن را تایید می‌کنند، این است که بحران مالی در حال حاضر از شکل و شمایل یک بحران اقتصادی صرف به یک بحران بی‌اعتمادی تبدیل شده است. به عبارت دیگر، بیماری‌ای که دارای خاستگاه مالی و ناشی از زیاده‌روی در پرداخت تسهیلات و بی‌دقتی در خرید بسته‌های تسهیلاتی بانک‌های کوچک‌تر از جانب بانک‌های سرمایه‌گذاری بود، اکنون منجر به بروز یک بی‌اعتمادی گسترده در میان مردم کشورهای دچار بحران شده است. در واقع، بی‌اعتمادی مردم و تردید نسبت به عملکرد نظام بانکی و درستی سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، همواره به عنوان خطری بزرگ برای کشورهای دارای اقتصاد آزاد مطرح بوده است. آنها برخلاف کشورهایی که دارای نظام اقتصادی بسته و یا نیمه بسته هستند، عمل می‌کنند و سهم دولت در آن‌ها از کل نقدینگی و سرمایه‌گذاری‌های موجود دست کم با سهم بخش خصوصی مساوی است و در کشورهای دارای اقتصاد باز، حجم نقدینگی و سرمایه متعلق به دولت بسیار پایین است و بار اصلی هم بر دوش بخش خصوصی است.

#### \* آیا کمک مالی دولت‌ها در همین راستا است؟

اختصاص ارقامی مانند ۷۰۰ میلیارد دلار از جانب فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) در حالی که حجم تولید ناخالص سالانه این کشور حدود ۱۴ هزار میلیارد دلار است، به هیچ وجه با هدف جبران خسارت‌ها صورت نمی‌گیرد، بلکه انگیزه اصلی، همانا بازگرداندن اعتماد سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است، چرا که تنها در این صورت است که بنگاه‌های مالی از خطر ورشکستگی و کمبود منابع رهایی می‌یابند.

#### \* پیامدهای این بحران را برای اقتصاد جهانی چگونه

ارزیابی می‌کنید؟

یقیناً این اتفاق تغییر عمده‌ای در سطح دارایی‌های مردم به دنبال دارد که افزایش تورم و کاهش رشد اقتصادی در سال‌های آینده از نتایج محتوم آن خواهد بود. بانک جهانی رشد اقتصادی جهان در سال آینده را بین صفر تا ۳/۵ درصد پیش‌بینی کرده است، در حالی که پیش‌بینی‌های گذشته این رشد را در حوزه ۴/۸ درصد تخمین زده بودند.

#### \* تحلیل ارایه شده در اجلاس نیز این تلقی را تایید

می‌کرد؟

آنچه در میان تمام تحلیل‌ها، سخنرانی‌ها، جلسات و





تصویری از فدرال رزرو.

بانکی ما با نظام بانکی جهان دارد، تا حدود زیادی از آسیب‌های مستقیم این بحران به دور بوده‌ایم، اما دو اتفاق مهم دیگر در پی این وضعیت در حال وقوع است که هر دوی آنها کشور ما را تحت تاثیر قرار خواهند داد: نخست اینکه، به علت رکود اقتصاد جهان، مصرف انرژی به شدت کاهش می‌یابد و این کاهش تقاضا، به افت بهای نفت در بازارهای جهانی منجر خواهد شد و این مساله طبیعتاً کشورهایی مثل ایران را که درآمدهای نفتی نقش عمده‌ای در اقتصادشان دارد، تحت تاثیر قرار می‌دهد و دچار مشکل می‌کند، ضمن اینکه باید به این نکته توجه کنیم که طی سال‌هایی که قیمت نفت بالا بود، سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در کشف و استخراج آن آغاز شده که در آینده‌ای نزدیک به بهره‌برداری می‌رسد و منجر به افزایش عرضه و کاهش بیشتر قیمت نفت خواهد شد.

نکته دوم، به کاهش میل و توان وارداتی کشورها مربوط می‌شود، به این ترتیب که کشورهای دارای اقتصاد بزرگ، برای هماهنگی با کاهش رشد اقتصادی، طبیعتاً بازار داخلی خود را برای مصرف بیشتر تحریک می‌کنند تا کاهش صادرات را جبران کرده باشند. بنابراین، صادرات غیرنفتی ما نیز دستخوش تهدیدهایی خواهد بود.

غفلت از یکی از مهمترین و غیر قابل تغییرترین خصوصیات ذاتی اقتصاد آزاد شده بود. بسیاری از کارشناسان اقتصادی با استناد به استمرار افزایش رشد اقتصادی جهان، به این باور رسیدند که اصل وجود سیکل‌های رونق و رکود دیگر از بین رفته است. اوج این تصور اشتباه را در سخنان نخست وزیر فعلی انگلستان و وزیر اقتصاد وقت این کشور می‌توان دید که به صراحت اعلام کرده بود: "دوران رکود و رونق دیگر پایان یافته و از این پس، شاهد رونق مستمر خواهیم بود!" البته در مقابل، تحلیلگران هم با ارایه گزارش‌هایی بر این تصور تاکید می‌کردند که تازه‌ترین نمونه آن گزارشی است که فروردین ماه امسال در اجلاس بهاره ارایه شد و نسبت به وقوع این بحران هشدار داده بود. این تحلیل نادرست باعث شد که کشورها آمادگی‌های لازم را برای دوران رکود در خود ایجاد نکنند و در مقابل، با اصرار بر تزریق پول بیشتر برای ایجاد تورم پایداری و پافشاری کنند که نتیجه این سیاست‌ها بحران فعلی است و در حال حاضر، بر اندیشمندان و کارشناسان است که از این اشتباه بزرگ که هزینه‌های سنگینی را به دنبال داشته درس بگیرند.

#### \* پیامدها و درس‌های این بحران برای اقتصاد ایران چیست؟

واقعیت این است که به دلیل ارتباط محدودی که نظام